گام اول) تنافی اختلاف در رویت بلد با ارتکاز میقات واحد

(9:29)

بله، چیزی که کأنّه دنبالش بودیم و با آن مشکل داشتیم، این است که یک نظریه لوازم خودش را نشان میدهد. ولذا در جلسه قبل عرض کردم هر کدام از شما که لوازمش را نشان بدهید، اگر قبلاً در ذهن من بوده که یک جور تشکر دارد؛ همین که پی مطلب را میگیرید. اگر هم در ذهن قاصر من نبوده، بسیار خوشحال تر میشوم. چون یک حرفی می بینیم که این لوازم را دارد. مثلاً گفته اند که لازم خط زمان اینستکه اگر خط زمان از قم در بشود، پای راست ما دوشنبه میشود و پای چپ ما یک شنبه میشود. و گفتم اگر شما نصف النهار واحد و زوال آن را فرض بگیرید، لازمه اش این است که وقتی به خط زمان رفتید، دو بلدی که نزدیک هم هستند، یکی یک شنبه باشد و دیگری دوشنبه باشد. نزدیک هم هستند ولی یکی اول ماهشان باشد و روزه بگیرند ولی دیگری نگیرند. لازمه خط زمان این است. خب این لازم روشنی است ولی خلاف ارتکاز است. خلاف ارتکاز همین بحثها است. یعنی شما بروید آنجا و بگویید این طرفِ پای من ماه مبارک است و آن طرف پا نه. و حال اینکه دو بلد نزدیک هستند. خب این را باید چه کار کنیم؟ و از این سنخ لوازمها که الآن عرض می کنم.

ببینید مسألهای که شروع کردیم، این است: یک موضوعی داریم که باید شناسایی خودمان را نسبت به این موضوع خارجی بالا ببریم و گسترده کنیم. و آن اینستکه یک اهلال هلال داریم، یک کرهای که دارد میگردد. سه حرکت داریم که این سه حرکت دارند یک نظمی میدهند. این موضوع است. هر چه بیشتر این را بشناسیم، در ادامه بهتر میتوانیم تصمیمگیری کنیم. وقتی برایمان واضح شد، زمانیکه ادله اثباتیه تعارض پیدا کردند، تعارض مستقر است یا تعارض غیر مستقر است؟ دارد این غموض را توضیح میدهد و تبیین میکند. مقصود ما این است.

حالا ما از واضحتریش شروع میکنیم. در «اسئلةٌ حول رویة الهلال» و بهخصوص در جوابی که در دفتر حاج آقا[ی سیستانی] آمده بود، فرموده بودند استدلال محکم این است که آیه میفرماید «مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ»[1]. اگر ما به تلسکوپ یا رؤیت غرب آمریکا اکتفاء کنیم دیگر میقات نخواهد شد. قوام میقاتیت به این است که خود مردم ببینند، سهل التناول باشد و نظم پیدا کنند. یعنی شروع از این است. خب میقات هم که در آیه شریفه است. بسیار خب! تا اینجا خوب است. ما در قم مشرف هستیم، رؤیت هلال و دخول شهر برای اهل قم میقات است. همینجا یکی سؤال مطرح میکنم. آیا اگر در قم اختلاف شد؛ عدهای گفتند دیدیم و عدهای گفتند ندیدیم، عدهای ماه را شروع کردند و عدهای شروع نکردند، شارع به غرض میقات خود میرسد یا نه؟ نرسید. میگوید «مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ». در بلد واحد ولی عدهای میگویند دیدیم و عدهای میگویند ندیدیم.

ای شبهه حکمیه آن را مطرح کنید. عده‌ای می‌گویند ما مقلد فلان مرجع هستیم لذا اول ماه نیست ولی نصف شهر می‌گویند ما مقلد فلان مرجع هستیم و اول ماه هست. در این‌صورت میقات محقق می‌شود یا نه؟ مثلاً موعده کردند که پانزده‌ماه به میه‌مانی بیایید، کدام یک بیایند و کدام یک نیایند؟ یعنی میقاتیت مطلوب می‌تواند در یک بلد نقض شود. خب شارع برای آن تدبیری اندیشیده یا نه؟ شما بفرمایید که مدتی با ادله اثباتیه هم مشغول هستید، شارع کاری کرده که در بلد قم، به مقصود خودش از میقاتیت برسد یا نه؟ اهل قم دو دسته نشوند. یکی بگوید امروز چهارده‌م است و دیگری بگوید امروز پانزده‌م است. تو به من چه کار داری؟! خب این چه میقاتی می‌شود؟! تدبیر شارع چه بود؟ ادله اش را دیدیم؛ «ولو رآه واحد لرآه الف»[2]. این‌ها ادله ای بود که اصلاً برای همین مطلوب بود. یعنی شارع کاری کند که وقتی زمزمه اختلاف باشد، آن را بردارد. شما مستصحب هستید، اول ماه مبارک شد یا نشد؟! اگر «اجتمعتم علیه»، من ـ شارع هم قبول دارم. چرا؟ چون مقصود این است که میقات محقق بشود. اگر اختلاف پیش آمد، ولو عده‌ای دیده باشند، ولی آن‌ها که ندیده اند. «ولو رآه واحد لرآه الف»، این چه دیدنی است؟! «لَيْسَ الرُّؤْيَةُ أَنْ يَقُومَ عَشَرَةٌ فَلَا يَرَوْنَهُ وَ لَكِنْ إِذَا رَآهُ وَاحِدٌ رَآهُ أَلْفٌ»[3]؛ حضرت فرمودند این رؤیت نیست. خب خودش که دارد می‌بیند! چرا؟ چون از رؤیت، مقصودی دارد. تعظیم شعائر است. تعظیم شعائر که فقط در صوم نیست. یکی از مواردش صوم است. در هر ماهی این میقاتیت نیاز است.

---

[1] البقره ۱۸۹

[2] من لا یحضره الفقیه , جلد۲ , صفحه۱۲۳

[3] همان

بازبینی #2
ایجاد شده 26 ژانویه 2026 15:00:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 ژانویه 2026 15:14:23 توسط ... .